

نقش آموزش و توانمندسازی زنان در حفظ محیط زیست و مدیریت پایدار شهری

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۸

کد مقاله: ۳۳۸۱۰

رضوان بذرگر^{۱*}، اصغر شهریاری^۲، راضیه شهریاری^۳

چکیده

تفاوت و تنوع در شهرها، افرادی را کنار هم قرار می دهد که دارای الگوهای متفاوت زندگی اند و شهر را مکانی جذاب می سازد اما وجه دیگر در این تنوع، ناشناسی است. به شکلی که انسان هایی که از روی اتفاق در یک زمان و در یک مکان عمومی واحد مانند فروشگاهها و رستورانها قرار دارند نسبت به هم غریبه اند. شرایط موجود در شهرها این ناشناسی را افزایش می دهد. این مسئله می تواند منجر به افزایش آسیب های انسانی به ویژه برای زنان و همه کسانی که به لحاظ فیزیکی آسیب پذیری بیشتری دارند، شود. در بحث توسعه انسانی، تجربیات مدیریتی کشور علاوه بر تجربیات جهانی بر این امر صحنه می گذارد که در جهان کنونی سهم زنان در پیشبرد هر هدف اجتماعی، روشن بوده و محاسبه آن به نفع دستیابی هر چه بهتر و سریع تر به آن هدف است. امروزه زندگی در شهرها و به طور کلی در دنیای مدرن باعث مکانیکی شدن زندگی انسانها گردیده است. شهرها به عنوان کانون های تمرکز فعالیت و زندگی انسانها برای اینکه بتوانند پایداری خود را تنظیم کنند چاره ای جز پذیرش ساختار و کارکردی متأثر از سیستم های طبیعی ندارند.^۴ در این میان نقش محیط زیست در زندگی شهری به عنوان جزء ضروری و لاینفک پیکره یگانه شهرها در متابولیسم آنها نقش اساسی را دارا می باشد که کمبود آنها می تواند اختلالات جدی در حیات زندگی شهری به وجود آورد. هدف از انجام این مطالعه، ارزیابی کیفی و تدوین نقش آموزش و توانمندسازی زنان در حفظ محیط زیست و بررسی چگونگی آرامش خاطر در آنهاست. در این راستا، مشارکت زنان در تهیه و اجرای طرح های شهری، به عنوان راهکاری مناسب برای حضور بیش از پیش زنان در فضای شهری، مطرح می گردد. نتایج پژوهش های شهری نشان می دهد که محیط زیست در زندگی شهری دارای بازدهی اجتماعی و اکولوژیکی می باشد. مهم ترین اثر در زندگی شهری، کارکردهای محیط زیستی، یا بازدهی اکولوژیکی آنهاست که شهرها را برای زیستن مساعد می سازد و با آثار مخرب گسترش صنعت و حمل و نقل مقابله می کند و موجب ارتقای کیفی در زندگی شهروندان می شود.

واژگان کلیدی: آموزش، توانمندسازی، زنان، حفظ محیط زیست، مدیریت پایدار شهری

۱- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و برنامه ریزی درسی، کارشناس آموزش شهرداری شیراز، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد، مرودشت، ایران (نویسنده مسئول) bazregarrezvan@gmail.com

۲- کارشناس ارشد حسابداری، رئیس اداره برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری منطقه سه شیراز، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد، قشم، ایران

۳- کارشناسی ارشد معماری.

۴- پالمر مونتگی، لاری اشترن، "مشجعی، مترجم" ۱۰۲، ۱۳۷۱، ۱۰۳

۱- مقدمه

جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران مسائل اجتماعی و توسعه تأکید دارند که مشارکت اجتماعی شهروندان در قالب‌های متنوعی مانند شوراهای شهرداری‌ها، سازمان‌های محله‌ای و تشکلهای غیردولتی شرط مهم و حیاتی در توسعه پایدار جامعه و رفع مشکلات و مسائل اجتماعی است. (مطهری، ۱۳۶۴) نقش زنان برای حفاظت از محیط‌زیست و ارتقاء سلامت شهروندان به دلیل نقش‌های خانوادگی و اجتماعی آنان و توانمندی تربیتی و آموزشی بانوان از اهمیت فراوان برخوردار است. همچنین به علت تجربه‌هایی که در زمینه استفاده از منابع طبیعی و مدیریت آن دارند، می‌توانند در حفظ محیط‌زیست نقش کلیدی ایفا کنند. (محمدی اصل، ۱۳۸۸)

نظر به این که پرورش نسل و تربیت فرزندان بر عهده زنان است و کودکان را از آغاز تولد با شیوه زیستن، فرهنگ و راه و رسم ارتباط با محیط آشنا می‌کنند، می‌توان زنان را عامل اصلی انتقال فرهنگ و سواد زیست‌محیطی و سلامت به نسل‌های آینده دانست؛ بنابراین هدف اصلی آموزش زنان در زمینه حفظ محیط‌زیست، ایجاد انگیزه کافی و توانمند ساختن آنان برای حل مسائلی است که سلامت او، خانواده و جامعه را به چالش می‌کشد. توانمندسازی زنان در جهت جلب مشارکت آن‌ها برای حل معضلات محیط‌زیست به معنی توانمند کردن جامعه است. (سیف‌زاده، ۱۳۷۰) در این حال آموزش زنان که تأثیر عملکردهای خود شروع و خانواده و جامعه را در بر می‌گیرد، نقشی مضاعف در روند مشارکت برای دستیابی به توسعه و پیشرفت مدیریت شهر دارد.

موفقیت نظام مدیریت شهری به توسعه فرهنگ شهروندی و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر وابسته است. به این منظور ضرورت دارد مردم‌سالاری شهری مستقر شود، زیرا نظام مدیریت شهری در تعامل با جامعه و شهروندان معنا پیدا می‌کند. مدیریت پایدار شهری بدون در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی قابل دستیابی نبوده و نمی‌توان اداره موفق آن را بدون جلب مشارکت نیمی از شهروندان، یعنی زنان برای حفظ سلامت و صیانت از محیط‌زیست متصور شد؛ بنابراین اکنون که محیط‌زیست شهری مورد تعرض قرار گرفته و سلامت شهروندان در خطر است، بهره‌مندی از نقش آفرینی زنان، کار مدیران توانمند و عاقبت نگر است. اگر در گذشته در مورد جایگاه این موضوع تردیدی وجود داشت، امروزه شکی باقی نمانده که توسعه انسان محور بدون حفاظت از محیط‌زیست ممکن نیست و حفاظت از محیط‌زیست بدون حضور جدی زنان محقق نخواهد شد. در حالی که زنان مصرف‌کنندگان عمده در هر جامعه‌ای به حساب می‌آیند، تجارب جهانی در دهه‌های اخیر نشانگر گرایش زنان به تلاش برای حفظ طبیعت و توان راهبری تلاش‌های حفاظتی بوده است. (دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۸۹)

۲- مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

همچنان که گفته شد، موفقیت نظام مدیریت شهری به توسعه فرهنگ شهروندی و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر وابسته است. به این منظور ضرورت دارد مردم‌سالاری شهری مستقر شود، زیرا نظام مدیریت شهری در تعامل با جامعه و شهروندان معنا پیدا می‌کند (سعادت، ۱۳۷۸).

مشارکت در مدیریت شهری فرآیندی است که شرکت‌کنندگان در تنظیم برنامه‌ها و تعیین سیاست‌ها و موکلان آن‌ها، یکدیگر را تحت نفوذ و تأثیر قرار می‌دهند. جوامع امروزی مفهوم جدیدی به نام حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان را به کار گرفته‌اند. این مفهوم اینک از ارکان توسعه یافتگی و مدیریت پایدار شهری به حساب می‌آید. مشارکت شهروندان اما با نگاه تکلیف مدار به آن‌ها به‌عنوان ساکنان منفعل شهر امکان پذیر نبوده و بدون دخالت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور محقق نمی‌شود. (کریمی-لیاقتی، ۱۳۷۸) به طور مثال اگر کسی پیامد مشارکت را افزایش حضور اجتماعی بداند، اما در داورهای خود برای حضور بیشتر اجتماعی ارزش قائل نباشد، ارزیابی مثبت و برانگیزنده‌ای در مورد مشارکت نخواهد داشت. مجموعه سازه‌های سه‌گانه فوق، گرایش فرد را نسبت به مشارکت جهت می‌دهند. در صورت مساعد بودن همه عوامل یاد شده، قصد مشارکت در فرد پدید می‌آید؛ اما تنها قصد مشارکت برای اقدام کافی نیست و امکان مشارکت نیز شرط است. «زمانی که مردم برای رفتن بسوی مشارکت و سهیم شدن، احساس امنیت نمی‌کنند، کار گروهی پدیده‌ای کمیاب و بسیار دشوار است» (افضل‌زاده، ۱۳۷۶).

۳- آموزش زنان

مهم‌ترین اولویت جوامع ترقی‌خواه، آموزش است که پس از ضرورت دستیابی به قدرت، لازمه تحقق توانمندسازی به شمار می‌رود. در این جوامع، شهروندان صاحب توانایی‌های بالقوه و نامحدودی هستند که می‌تواند به نفع توسعه به مرحله عمل برسد؛ اما این مهم با برنامه‌ریزی‌های آموزشی صحیح و مستمر امکان پذیر است. در این حال آموزش زنان که تأثیر عملکردهای خود شروع و خانواده و جامعه را در بر می‌گیرد، نقشی مضاعف در روند مشارکت برای دستیابی به توسعه و پیشرفت دارد.

براساس اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی و مصرف بهینه آن بر عهده تمامی مردم است و یک وظیفه عمومی محسوب می‌شود». اگر زنان از آموزش و به تبع آن فرهنگ مناسب در مصرف منابع برخوردار

باشند با انتقال این فرهنگ به اعضای خانواده، زمینه ساز پایداری منابع طبیعی و زیستی خواهند بود. در واقع زنان نقشی تعیین کننده در اصلاح رفتار زیست محیطی دارند. (لاهیجانیان - اکرم الملوک، ۱۳۹۰)

«نخستین هدف آموزش مسائل زیست محیطی نگهداری و بهبود کیفیت زندگی انسان هاست. هدف اجتماعی آموزش مسائل زیست محیطی نیز باید بر مبنای اندیشه افزودن بر طول عمر زیست انسان در کره زمین قرار گیرد. اهداف دیگر در این آموزش می تواند حفظ و نگهداری زیست کره جهانی و نعمت های آن و برنامه ریزی برای شناخت محیط و آلاینده های آن باشد». (اعتمادی فر - دبیربان، ۱۳۸۷)

۴- مشارکت زنان در مدیریت شهری

بحث حضور زنان در مدیریت محیط زیست شهری در بسیاری از سیاستگزاری ها و تصمیم گیری های دولت محلی یا شهرداری ها مغفول مانده است. همچنین براساس بررسی های صورت گرفته تعدادی از تشکل های مردم نهاد زیست محیطی از فعالیت بازمانده و آن ها که هنوز دایر هستند اغلب از طریق شهرداری توانسته اند با اجرای پروژه های مشترک به فعالیت خود تداوم بخشیده و مشارکت مدنی و خدمات اجتماعی خود را ارایه دهند. سازمان های غیردولتی زیست محیطی زنان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به دلیل مشکلات درونی و بیرونی متعدد، تاکنون نتوانسته اند در فرآیند توسعه شهری نقشی کلیدی و تعیین کننده ایفا نمایند. (امینی، ۱۳۷۸) از این رهگذر به دلیل نقش این تشکل ها در حال حاضر دو محور آگاه سازی عمومی و جلب مشارکت مردم در حفظ محیط زیست دچار افت و ضعف قابل توجهی است.

زنان به مثابه نیمی از کنشگران اجتماعی، همواره در وجوه و ابعاد گوناگون به عنوان یکی از محورهای مناقشه متخصصان علوم اجتماعی مطرح بوده اند. (فکوهی، ۱۳۸۵) مشارکت ظرفیت عظیم زنان موجب رشد جمع گرایی، انسجام و در نهایت پویایی اجتماعی می شود و برای اینکه تغییرات اجتماعی در مسیری دینامی کودتا ملی قرار گیرد، باید به مشارکت زنان در نهادهای مختلف جامعه ها هم توجه شود.

نقش تربیتی و اثر گذار زنان در خانواده می تواند مبنای بسیاری از اصلاحات در مدیریت شهری قرار گیرد. نسلی که در دامن مادران تحصیل کرده و متعهد نسبت به سلامت جامعه و محیط زیست همشهریان بزرگ می شود، نسلی مسئول خواهد بود. علاقه به مشارکت در امور عمومی و عام المنفعه نیز بسیار متأثر از تربیت خانوادگی بوده؛ چنانچه سایر خصوصیات اکتسابی این چنین است.

اما میزان تاثیرگذاری زنان در مقام مادری به توانمندسازی و آموزش های رسمی و غیررسمی بستگی دارد. چرا که فرهنگ سنتی ما وظایف زن را بیشتر در قالب خانواده دانسته و امروز برای گذر از این محدوده باید به ابزار آگاهی و توانمندی مجهز شد. همچنین مقوله نگاه محله ای و شهری، مقوله ای فراخانواده بوده و مرزهای نوینی را در مقابل زنان ما گسترده است. (طراوتی - دیانت، ۱۳۷۷) بنابراین اگر خواهان سهم مناسب زنان برای حفظ سلامت و محیط زیست هستیم باید توانمندسازی و آموزش از سوی مسئولین امر جدی تلقی شده و فراتر از شعار به ایجاد سازوکارها و نهادینه ساختن آن اقدام شود (بحرینی - امینی، ۱۳۷۹).

لازم است در بحث مشارکت زنان در حوزه محیط زیست و مدیریت شهری، پژوهش های متنوعی صورت پذیرد. در عین حال به نظر می رسد با توجه به تحقیقات موجود، اینک برای پرهیز از موازی کاری و تکرار، ضرورت دارد شهرداری با ارایه شاخص های علمی و کاربردی، پژوهش های آتی را هدایت و مدیریت کند (معصومی اشکوری، ۱۳۷۹).

چنانچه بتوانیم سهم مشارکت زنان در حوزه مدیریت شهری را پررنگ نماییم میتوانیم از سرمایه اجتماعی زنان در جهت حفظ محیط زیست شهری در موارد زیر بهره مند شویم: (دیهیم - وهابی، ۱۳۸۲)

۱. امکان بهره گیری از خرد مدیریت زنانه در حوزه محیط زیست با تکیه بر سرمایه ملی زنان باسواد و تحصیل کرده کشور
۲. امکان بهره مندی از توانایی ها و ظرفیت های زنان در تصمیم گیری های مرتبط با محیط زیست
۳. وجود ساختارهای آموزشی در کلیه سطوح برای آموزش زیست محیطی به زنان
۴. بهره گیری از آموزه های ملی و دینی برای تولید و مصرف پایدار
۵. امکان دست یابی زنان به دانش، مسئولیت پذیری و مهارت برای حفاظت از محیط زیست از طریق رسانه ملی
۶. امکان بهره مندی از توان نظارتی و مدیریتی زنان عضو شوراهای اسلامی شهر و روستا
۷. امکان بهره مندی از ساختارهای اجرایی و پژوهشی در توسعه نقش زنان در مدیریت
۸. امکان انسجام و جلب مشارکت زنان بر محور محیط زیست از طریق شهرداری ها و شورا
۹. بهره مندی از قوانین و مقررات کارآمد موجود برای توسعه نقش آفرینی زنان در عرصه محیط زیست
۱۰. امکان بهره مندی زنان از سازوکارهای مردم سالاری اعم از سازمان های مردم نهاد، احزاب و اصناف و رسانه ها در حفظ محیط زیست

۵- توانمندسازی زنان

بانک جهانی توانمندسازی را به عنوان یکی از عناصر اصلی در کاهش فقر و به عنوان اولین هدف در امر توسعه شناسایی کرده است و محوریت بخشیدن به جنسیت را به عنوان یک اولویت در کمک به توسعه و در فرآیند اجرای یک استراتژی برای رسیدن به چنین تاثیری می‌داند. (شادمان فر - وکیل پور ۱۳۹۰) توانمندسازی پروسه و فرآیندی ممتد تعریف شده است که شرایط ساختاری (سیاسی، عرفی و حقوقی) و عاملیتی (ظرفیت‌ها، قدرت تصمیم‌گیری) و دسترسی (به منابع مادی و غیر مادی موجود در جامعه) را برای قدرت یابی زنان در خانه و جامعه در مواردی که برای آن‌ها محدودیت وجود دارد، فراهم می‌کند. (بیرو، آن، ساروخانی، مترجم، ۱۳۷۰)

کنفرانس محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل در قرن ۲۱ (UNCED)، پیشرفت و قدرتمندی زنان شامل «قدرت تصمیم‌گیری» و «مشارکت» را عامل کلیدی توسعه پایدار تلقی می‌کند (Malhotra, 2002:2). در ایران اما متأسفانه چه در عرصه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و چه در عرصه پژوهش‌های علمی، رویکرد توانمندسازی مغفول واقع شده و توجه چندانی بدان نمی‌شود. اندک توجهاتی هم که به این رویکرد صورت می‌گیرد، عموماً دارای ضعف مفهومی در درک مفهوم توانمندسازی بوده که خود مشکلاتی را ایجاد نموده است، چنان‌چه جوهره اصلی مفهوم توانمندسازی (Empowerment)، بحث قدرت (Power) است، اما در ایران در درک مفهوم توانمندسازی، تأکید بر رویکرد توانایی (Ability) و مهارت‌یابی زنان است. هرچند این امر برای قدرت‌یابی زنان یک پیش شرط اساسی و لازم است و در ساختن مفهوم توانمندسازی نقشی گسترده دارد، اما مساله اصلی در این مفهوم رسیدن زنان به توانایی نیست، بلکه رسیدن آن‌ها به قدرت و داشتن نقش موثر در فرآیندهای گوناگون اعم از اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... است (بیرو، آن، ساروخانی، مترجم ۱۳۷۰). نظریه توانمندسازی سارا لانگه (۱۹۹۹)، بر رفع هرگونه ابهام و سوء تعبیر، به وضوح تأکید دارد. بر اساس این نظریه منظور از توانمندسازی، تغییر مرد سالاری به زن سالاری نیست، بلکه بیش‌تر برابری جنسیتی در فرآیند توسعه مد نظر است. این دیدگاه با تحلیل روابط و ساختار قدرت در درون خانواده و جامعه، به اهمیت افزایش قدرت زنان می‌پردازد. در عین حال قدرت را نه برای برتری فردی بر فرد دیگر (زن بر مرد) بلکه بیش‌تر با هدف ارتقای خود باوری و خود اتکایی زنان مورد بحث قرار می‌دهد (دیپیم - وهایی، ۱۳۸۲).

الف- توانمندسازی زنان برای توسعه فرهنگ محیط‌زیست و ارج نهادن به سرمایه‌های طبیعی از طریق:

- لحاظ دیدگاه‌های مبتنی بر عدالت جنسیتی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان کشور برای نیل به توسعه پایدار
- لحاظ دیدگاه‌های عدالت طلبانه برای احقاق حقوق زنان به منظور نقش آفرینی موثرتر زنان در حوزه خانواده و مقابله با بی‌انگیزگی و عدم اعتماد به نفس در آن‌ها
- اصلاح نگرش‌های مدیریت شهری نسبت به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زنان در امر مشارکت اجتماعی
- پیگیری و اجرای مطلوب قوانین و مقررات موجود به ویژه مصوبات شورای شهر برای تقویت نقش آفرینی زنان در مدیریت محیط‌زیست شهری و پیشنهاد لوایح شهری تقویت‌کننده نقش زنان را در حفاظت از محیط‌زیست
- بهره‌مندی از توانایی‌ها و ظرفیت‌های زنان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با محیط‌زیست
- آموزش زنان به منظور بهره‌مندی از توان و ظرفیت آنان در بهبود مدیریت شهری

ب- توسعه آموزش‌های زیست‌محیطی برای زنان به منظور بهره‌مندی از توان و ظرفیت آنان در بهبود مدیریت شهری از طریق:

- نظام رسمی آموزشی
- رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی
- اینترنت و فضای مجازی
- شورایی‌ها با تقویت آن‌ها برای آموزش‌های رو در رو و فرهنگ‌سازی در جهت حفظ محیط‌زیست

ج- توانمندسازی تشکلهای مردم نهاد در حوزه زنان و محیط‌زیست به منظور جلب مشارکت مردم و کاهش اتکا بر دولت برای حفظ محیط‌زیست از طریق:

- حمایت شورای شهر و شهرداری از پروژه‌های ارایه شده تشکلهای مردم نهاد (NGOs) در حوزه زنان و محیط‌زیست

- همکاری شهرداری با تشکل‌های غیردولتی زیست‌محیطی زنان در اجرای پروژه‌های مربوطه

د- تعیین محورهای شاخص و مهم مقابله با آلودگی‌های زیست‌محیطی و تدوین برنامه تشویقی و تبلیغی فراگیر برای زنان براساس موضوعات زیر:

- استفاده از فناوری‌ها، صنایع و خدمات پاک و سازگار با محیط‌زیست از سوی زنان
- تشویق به مصرف بهینه مواد و انرژی با توجیه کمک به اقتصاد خانواده
- بازیافت و کاربرد مجدد مواد به وسیله زنان در خانواده
- ترغیب زنان به انتقال دانش زیست‌محیطی با تأکید بر ظرفیت و توان آن‌ها
- تنظیم خانواده و کنترل زاد و ولد که تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر محیط‌زیست دارد

۵-۱- تهدیدها

۱. وجود نگرش‌های مردسالارانه به‌عنوان مانع رشد ظرفیت‌ها و مسئولیت‌پذیری زنان در سطوح خانواده، جامعه و سیاست‌های کلان
۲. وجود برداشت‌های متعصبانه‌ای که هر گونه طرح مبحث زنان را به‌عنوان نوعی مقابله و ایستادگی در مقابل مردان تلقی می‌کند
۳. شیوع ناهنجاری‌های خانوادگی منتج به احساس سرخوردگی و بی‌قدرتی و ضعف ظرفیت‌های زنان در اداره امور اجتماعی مانند حفاظت از محیط‌زیست
۴. بی‌اعتمادی جامعه زنان به هشدارهای منابع رسانه‌ای و دولتی
۵. تلقی قید و بند از قانون و در نتیجه قانون‌گریزی

۵-۲- نقاط قوت

۱. افزایش میزان سواد و تحصیلات عالی در جامعه زنان ایرانی
۲. رویکرد زیست‌محیطی جامعه زنان تحصیل کرده به محیط‌زیست و افزایش رشته‌ها و دانشجویان محیط‌زیست
۳. اعتقاد به تاثیرگذاری زنان در امر حفاظت از محیط‌زیست در برخی سطوح سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری
۴. رویکرد توانمندسازی زنان در برخی تصمیم‌گیری‌ها و آزادی عمل و کنترل آن‌ها بر منابع اقتصادی
۵. رشد حضور زنان در ساختارهای شورایی و سیاست‌گذاری‌های شهری و محلی
۶. وجود تشکل‌های مردم‌نهاد (سمن) زیست‌محیطی و فعالیت آن‌ها در زمینه آموزش‌های زیست‌محیطی به زنان
۷. فعالیت‌های انجام شده در کشور برای ارتقاء مشارکت زنان در مباحث تحقیقاتی، اجرایی و آموزشی محیط‌زیست
۸. حضور زنان در کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در موضوعات محیط‌زیست
۹. استراتژی‌های حمایت‌کننده

۶- بررسی یافته‌های موجود در زمینه مشارکت شهروندان به ویژه زنان در مدیریت شهری

سیف‌اللهی (۱۳۷۴) در گزارش خود از طرح پژوهشی مشارکت زنان که در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران انجام شده، با تأکید بر اینکه کنترل شهروندی عالی‌ترین سطح و نوع مشارکت است به شناخت انواع مشارکت اجتماعی زنان و عوامل مرتبط با آن که هدف این تحقیق بوده، اشاره کرده است.

در مجموع شش نوع مشارکت مدنی، حمایتی، فرهنگی-تفریحی، محلی، مذهبی-خیریه‌ای و شرکت در فعالیت‌های انقلابی شناخته شده که در این میان میانگین مشارکت مدنی پایین‌تر و میانگین مشارکت مذهبی-خیریه‌ای بالاتر از سایر انواع مشارکت است. به طور کلی نیز میزان مشارکت اجتماعی زنان شهر تهران در سطح پایینی قرار دارد (مسجدجامعی، ۱۳۹۰)

۶-۱- بررسی تجربیات کشورهای جهان از نقش‌آفرینی زنان

نمونه‌های فراوانی از تجارب مشارکت زنان در قالب‌های مشارکتی برای حفظ محیط‌زیست در سطح خانواده، محله، شهر و کشور در سراسر جهان وجود دارد و اکنون چندین دهه است که زنان نقش تعیین‌کننده خود را در این عرصه به اثبات رسانده‌اند.

زنان با برگزیدن راه‌های حفظ محیط‌زیست سعی کرده‌اند جهان را از هوای بهتر، خاک غنی‌تر و جنگل‌های سبزتر برخوردار کنند. آن‌ها به مصرف پایدار فکر می‌کنند و به بهبود دسترسی، کنترل و محافظت از منابع و حتی مبارزه با پدیده تغییر آب و هوایی را دنبال می‌کنند. بسیاری از زنان متوجه شده‌اند که برای تضمین بهره‌وری و سلامتی نسل‌های آینده، باید آراء خود را به طور جامعی در کلیه سطوح تدوین و اجرای سیاست‌ها اعمال کنند. در دهه‌های اخیر حضور زنان سرشناس برای سردمداری حفظ محیط‌زیست امری مشهود بوده است. به علاوه اینکه سهم زنان در راهبری و دسترسی به منصب‌های مرتبط با توسعه پایدار و حفظ طبیعت افزایش چشمگیر یافته تا جایی که بارها سبب گردهمایی‌های ویژه رهبران زن جهان در عرصه محیط‌زیست شده است. این رهبران به خوبی توانسته‌اند ظرفیت‌های موجود در جامعه زنان را به کار گیرند.

اولین نمود مشارکت زنان در حفاظت از محیط‌زیست به ۳۰۰ سال قبل برمی‌گردد؛ زمانی که در راجستان هند مردان برای ساختن قصری از چوب درصدد بریدن تعداد زیادی درخت بودند. «آمریتا دوی» از قبیله «بیشنوا»، اولین درخت منطقه را در آغوش گرفته تا از بریدن آن ممانعت کند. وی البته با تبر یکی از چوب‌برها کشته شد. با کشته شدن آمریتا مردم ۸۳ روستای اطراف هجوم آورده و در دفاع از هدف او وارد کارزاری شدند که نتیجه‌اش کشته شدن حدود ۳۵۰ نفر بود که البته کار ساخت قصر را متوقف کردند. این حادثه در واقع آغازی بر جنبش زیست‌محیطی معروف به چپیکو در هند بود که در دهه‌های اخیر نیز در هند منشاء الهام فعالان محیط‌زیست شد.

کشور ژاپن در دهه پنجاه میلادی شاهد اعتراض جدی دو سازمان غیردولتی زنان نسبت به آلودگی ناشی از صنایع و نیروگاه‌های منطقه توباتا بود. این زنان خواهان حقوق خود برای زندگی در محیط‌زیستی سالم و امن بودند که در اثر فعالیت‌های صنعتی در خطر قرار داشت. در نهایت، اعتراضات این جنبش زنانه به اتخاذ اقداماتی برای پیشگیری از آلودگی توسط دولت محلی و کارخانه‌ها منجر شد که کیفیت زندگی را بهبود بخشید (Communities and Local Government, 2007)

در برزیل نیز تشکل غیردولتی جنبش دمکراتیک زنان که از سال ۱۹۶۴ راه‌اندازی شد، با هدف حفظ محیط‌زیست شهری و مناطق در معرض خطر، در قالب پروژه‌هایی با شهرداری و دولت محلی به آموزش دختران و زنان برای صیانت از محیط‌زیست، نیل به توسعه پایدار و عدالت زیست‌محیطی پرداخت. مخالفت این جنبش در استفاده از کودها و سموم شیمیایی در کشاورزی و رایزنی برای تدوین قوانین زیست‌محیطی به اذعان مردم و مقامات نتایج مشهودی در برزیل داشته است. (همان) در کنیا جنبش محافظت از جنگل‌های کمربند سبز، حرکت پیشستاز و مشهوری است که به دست زنان در روز زمین سال ۱۹۷۷ آغاز شد. «وانگاری ماتای» رهبر این جنبش در بسیاری امور نفر نخست بوده است. او متولد کنیا اولین زن آفریقای شرقی و مرکزی است که مدرک دکترای گرفت و اولین کارشناس محیط‌زیست است که برنده جایزه نوبل شد. ماتای کاشتن درخت را با پشتیبانی شورای ملی زنان کنیا آغاز کرد. «وانگاری ماتای دستاوردهای این جنبش را حاصل آموزش و توانمندسازی زنان دانسته است (همان)

جنگل زدایی در ۲۰ درصد از انتشارات سالانه کربن سهم دارد. اثرات جنگل زدایی در کشورهای پیشرفته را می‌توان در فرسایش و تحلیل رقتن زمین و کمبود آب و مواد غذایی مشاهده کرد. از طریق فعالیت جنبش کمربند سبز، از هزاران جریب جنگل‌های غنی و بومی آفریقا محافظت به عمل آمده است و شش هزار نهالستان که توسط زنان اداره می‌شود، برای یک صد هزار تن اشتغال ایجاد کرده است.

در اواخر سال ۲۰۰۵، بیش از ۱۵ کشور آفریقایی در شبکه کمربند سبز پان-آفریقایی مشارکت داشتند. جنبش کمربند سبز با فعالیت در حوزه‌های حفظ محیط‌زیست، دمکراسی، توانمندسازی زنان، توسعه اجتماعی و حل منازعه در سراسر جهان گسترش یافته و در ایالات متحده، بریتانیا، هند غربی، ژاپن و آمریکای جنوبی حضور پیدا کرده است. این جنبش تاکنون بیش از سی میلیون اصله درخت در کنیا کاشته و به تسهیل درختکاری در نقاط دیگر نیز یاری رسانده است.

«کیت اورن» مدیر اجرایی سازمان محیط‌زیست و توسعه زنان (WEDO) است. این سازمان جهانی، با هدف تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی، در زمینه توانمندسازی زنان به‌عنوان مسئولان تصمیم‌گیری فعالیت دارد. این سازمان که به طور مشخص برای تأثیرگذاری در نشست ۱۹۹۲ سران در ارتباط با زمین تشکیل شد، در پی وارد ساختن دیدگاه‌های جنسیتی و مشارکت مستقیم زن در عرصه بین‌المللی است. این سازمان در آخرین اقدام خود در قرار دادن نخستین متن جنسیتی در مذاکرات سازمان ملل متحد در خصوص تغییر آب و هوا ایفای نقش کرد.

گزارش دولت سوئد در سال ۲۰۰۷ تأکید دارد که مطالعات نشان می‌دهد زنان در کشورهای شمال، یعنی کشورهای توسعه یافته، با اتخاذ بیشتر تصمیم‌های «سبز» در سطح خانه، ردپای کوچک‌تری از کربن در مقایسه با مردان از خود به جای می‌گذارند.

زنان و جنبش‌های زنان با به نمایش گذاشتن ظرفیت بسیار خوبی در مقام رهبر، کارشناس، آموزگار و نوآور، گام‌های بلندی در حفظ و حراست از منابع اطراف خود برداشته‌اند. در کشورهای آمریکای جنوبی نیز این ظرفیت به اثبات رسیده است. چنانچه رییس‌جمهور سابق اکوادور به‌عنوان یک زن با تجربه در عرصه سیاست و امور اجرایی، هم‌اکنون مسئولیت سازمان آموزون را بر عهده دارد. این سازمان منطقه‌ای در برگیرنده اقدامات هفت کشور آمریکای لاتین برای حفاظت از جنگل‌های بارانی آموزون است.

جنگل های آمازون علاوه بر اینکه از مهم ترین ذخیره گاههای طبیعی و بکر دنیاست، از مخازن بزرگ جذب دی اکسید کربن نیز به شمار می آید و نقش بسیار با اهمیتی در اعتدال اقلیم دارد.

تشکل های زنان نه تنها در عرصه ملی و بین المللی نقش آفرین شده اند، بلکه حوزه کار خود را تخصصی تر کرده و به این منظور در مدیریت پایدار شهری و محلی مشارکت می کنند. نمونه های موفق متعددی از این مشارکت وجود دارد که می تواند برای حل معضلات زیست محیطی شهری در ایران به ویژه تهران مورد بهره برداری قرار گیرد.

تجربه کانادا یکی از نمونه های موفق مشارکت زنان در مدیریت محیط زیست شهری به حساب می آید. آژانس بین المللی توسعه کانادا (CIDA- Canadian International Development Agency) در پروژه های مشترک خود با شهرداری های کشور نشان می دهد که نقش زنان در تصمیم گیری های حوزه شهرداری و مدیریت شهری بسیار تعیین کننده بوده و می تواند در پیشبرد جامعه محلی مؤثر واقع شود. خدمات شهرداری نه تنها می تواند از آسیب های اجتماعی که به ویژه زنان، کودکان و جوانان را در معرض خطر قرار می دهد، جلوگیری نماید؛ بلکه می تواند محیط زیستی امن و سالم را با مشارکت این اقشار جامعه فراهم آورد. برای نمونه در شهرهای اوتاوا و مونترآل گروه کاری دسترسی زنان به خدمات شهرداری ها در سال ۱۹۹۹ پایه گذاری شد و تاکنون فعالیت آن تداوم دارد. این کارگروه تا حد زیادی شهرداری ها را در تعیین وضعیت موجود زنان این شهر، تعیین مشکلات آن ها و نحوه مشارکت آن ها در اداره شهر به ویژه در حوزه حل مشکلات محیط زیست شهری یاری داده است. از جمله اهداف این کارگروه مشترک که علاوه بر مسئولین شهرداری و اقشار زنان، سازمان های غیردولتی و دانشگاهیان را نیز در بر می گیرد، عبارتند از:

۱. ارزیابی دسترسی برابر زنان و مردان به خدمات شهرداری؛
۲. تضمین به رسمیت شناختن کامل نقش زنان در امور شهری؛
۳. ارائه سیاست ها، راهبردها و توصیه های لازم به شورای شهر

مهم ترین توصیه های کارگروه به شهرداری و شورای شهر عبارت بوده اند از:

۱. نیاز به برقراری ارتباطات مناسب با اقشار مختلف زنان و فراهم کردن امکان دسترسی همه آن ها به خدمات شهرداری؛
۲. اهمیت آموزش و توانمندسازی زنان در حوزه امور شهری و بهره مندی از مشاوره با آن ها در تصمیم گیری های مربوط به محله و شهر؛
۳. اهمیت تأمین سرویس حمل و نقل عمومی مناسب و خدمات مربوط به محیط زیست شهری؛
۴. اهمیت حمایت ها و تأمین منابع مالی لازم جهت ارائه خدمات.

در پی نقش آفرینی زنان در دهه های گذشته برای بهبود وضعیت محیط زیست در جهان، این روند وارد مباحث جدیدی می شود که این روزها در خواسته های زنان برای طرح در کنفرانس جهانی ریو+۲۰ (بیست سال پس از ریو) قابل مشاهده است. مهم ترین محور در این زمینه بحث دستیابی زنان به مشاغل سبز و محیط زیستی به شمار می رود. گزارش سال ۲۰۱۱ بانک جهانی مؤید این واقعیت است که سرمایه گذاری بر روی مشارکت زنان بیش از سرمایه گذاری بر روی مردان، کشورها و جوامع را به توسعه می رساند.

نمونه دیگری از اقدام برای جلب مشارکت مردم از طریق دولت های محلی، تصویب «سند ملی محلات قوی و پر رونق» توسط دولت انگلستان در سال ۲۰۰۶ است. در این مصوبه دولتی تعهد ایجاد فضای آزادتر برای دولت های محلی مبنی بر انعطاف پذیری در تعیین اولویت های محلی گنجانده شد. برای راحت تر شدن کار نیز تعداد ۱۲۰۰ شاخص ملی به ۱۹۸ شاخص کاهش یافت. این ۱۹۸ شاخص در قالب ۶ محور از جمله جامعه محلی قوی تر، جامعه ایمن تر، محور کودکان و جوانان، بهداشت و رفاه، از بین بردن تبعیض و ایجاد تساوی جنسیتی، اقتصاد محلی، محیط زیست و توسعه پایدار تنظیم شد. همچنین برای هر یک از این محورها، یک سری شاخص ها کیفی و کمی تعریف کردند که در محور «محیط زیست و توسعه پایدار» به شرح زیر بوده است:

۱. کاهش دی اکسید کربن ناشی از فعالیت های بخش دولتی و عمومی
۲. شناسایی نرخ ایجاد آلودگی دی اکسید کربن در قراردادهای محلی
۳. یافتن راه حل برای مشکلات سوختی مردم فقیر
۴. تطبیق شرایط با تغییرات آب و هوایی
۵. مدیریت سیل و فرسایش سواحل
۶. کسب استانداردها برای کنترل سیستم بهداشت حیوانات
۷. شناسایی سرانه پسماندهای هر خانوار
۸. مدیریت بازیافت زباله و کمپوست خانواده ها
۹. مدیریت زباله و محل دفن آن

۱۰. شناسایی کیفیت هوا شامل کاهش NO و فرسایش PM10

۱۱. بهبود معابر و پاکسازی محیطزیست با توجه به سطح به کارگیری سموم

۱۲. بهبود معابر و پاکسازی محیطزیست با توجه به جمع آوری غیرقانونی زباله

۱۳. بهبود تنوع زیستی محلی با مدیریت فعالانه در سایت های تنوع زیستی محله

در اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا سازمان‌های غیردولتی زنان در برنامه‌ریزی‌های شهری دخیل هستند. آن‌ها تا حد زیادی توانسته‌اند مسائل جنسیتی را در سیاست‌ها و دستورالعمل‌های حوزه مدیریت شهری به ویژه در بخش محیطزیست لحاظ نمایند. برای نمونه در کشور هلند در ۲۸۰ شهرداری این کشور، کمیته‌های مشاوره زنان به این منظور تاسیس شده و مشغول فعالیت هستند. این کمیته‌های مشاوره علاوه بر ارزیابی برنامه‌های حوزه ساخت و ساز، بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های شهرداری‌ها در حوزه کاربری زمین، طرح‌های ترافیکی و پروژه‌های زیست‌محیطی نظارت دارند. (Dankelman, 2010) اساساً کشورهای اروپایی صاحب منشوری در برابری زنان و مردان در سطح محلی هستند. در این منشور اصل بر یافتن پاسخ برای تمام سؤالات مربوط به برابری در سطح شهر، زمینه سازی برای مشارکت زنان در مدیریت شهری و زمینه سازی برای تاثیرگذاری زنان در تصمیم گیری های مربوط به شهر و مدیریت آن است. مجریان منشور نیز شهرداری‌ها هستند.

در اتریش و آلمان از دهه ۸۰ تاکنون واحدها و دفاتر فرصت‌های برابر جنسیتی در ادارات اصلی شهرداری‌ها مستقر شده و فعالیت دارند. برای مثال در شهر وین اتریش دفتر هماهنگی امور زنان با بودجه مشخص در شهرداری این شهر در سال ۱۳۹۱ راه‌اندازی شده است (Oxaal & 1997:6Baden). همچنین در بسیاری از کشورهای اروپایی شهرداری‌ها به منظور افزایش مشارکت شهروندان به ویژه زنان در حوزه مدیریت محیطزیست شهری، برنامه عمل اجلاس جهانی محیطزیست ریو را طراحی و تدوین کردند که با اجرای آن طی دو دهه گذشته مشارکت عمومی زنان در این حوزه بسیار ملموس‌تر از گذشته شده است. در کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین نیز بسیاری از شهرداری‌ها و شوراهای شهر، البته نه به طور سیستماتیک، بلکه به طور پراکنده پروژه‌های متعددی را در زمینه های مختلف مدیریت محیطزیست شهری مانند کاهش پسماند یا کنترل آلودگی هوا داشته‌اند که با مشارکت زنان و سازمان‌های غیردولتی آن‌ها به ثمر رسیده است. در این میان کشورهایی چون هند، سری‌لانکا، مالزی، ویتنام، برزیل، سنگاپور و پاکستان پیشتاز بوده‌اند.

از میان کشورهای در حال توسعه همچنین می‌توان به ترکیه اشاره کرد. ترکیه با آغاز فرآیند صنعتی شدن از دهه پنجاه با سیل مهاجرین از روستاها مواجه بوده و دچار معضل شهرنشینی بی رویه شده است. این وضعیت شهرهای ترکیه را با انبوهی از مشکلات زیست‌محیطی مواجه کرده است. برای مقابله با این روند سازمان‌های دولتی و غیردولتی و بخش خصوصی ضمن لحاظ نگرش جنسیتی در فرآیند توسعه، مبادرت به آگاهی بخشی و توانمندسازی زنان در حوزه محیطزیست و طبیعت کرده‌اند. نکته قابل توجه اینکه این رویکرد بر اشتغال زایی و درآمدزایی متمرکز بوده و به ترویج «مشاغل سبز» مانند ترویج فناوری های کم مصرف یا بازیافت مواد می پردازد. (ISOE,2010)

پروژه گپ-چاتام (GAP-CATOM) در پی این رویکرد و با هدف ارتقاء نقش زنان در فرآیند توسعه در سطوح مختلف خانواده، محله، شهر و کشور به اجرا در آمد. این پروژه با تمرکز بر آموزش، بهداشت و حمایت از خدمات اجتماعی صورت گرفته و بنا بر ادعای دولت ترکیه از موفق ترین پروژه های توسعه ای در آن کشور بوده است. دهها هزار نفر از زنان ترک در قالب این پروژه مورد آموزش و توانمندسازی قرار گرفته‌اند.

همچنین دولت ترکیه برخی از اهداف و راهبردهای بخش محیطزیست سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ این کشور را براساس جلب مشارکت زنان ترسیم کرده است؛ مانند موارد زیر:

- هدف «اثربخشی زنان در تصمیم سازی های حوزه محیطزیست» از طریق راهبرد افزایش تعداد شوراهای زنان به ۸۱ مورد، توانمندسازی زنان برای مشارکت در تصمیم های محلی محیطزیست، افزایش مشارکت زنان در سیاستگذاری های زیست‌محیطی و ارتقای آگاهی و حساسیت زنان نسبت به شرایط نامساعد زیست‌محیطی

- هدف «تقویت نقش آفرینی زنان در اجرای موثر سیاست های زیست‌محیطی» از طریق راهبرد آگاه سازی آن‌ها در مورد الگوهای صحیح تولید و مصرف، بهره برداری و مدیریت درست منابع طبیعی با مشارکت جوامع محلی و سازمان‌های مردم نهاد، تشویق ابتکارات زنان در قالب تشکلهای غیردولتی برای حل مشکلات زیست‌محیطی

- هدف «تقویت انگیزه زنان برای مقابله با شرایط نامساعد زیست‌محیطی شهرها و ارتقای استانداردهای زندگی شهری» از طریق فعالیت های آگاه سازی آن‌ها نسبت به نحوه مقابله با بلایای طبیعی و اثرات منفی تغییرات آب و هوایی، اثرات سوء استفاده از مواد شیمیایی و مقابله با رشد نامتعادل شهرنشینی و حاشیه نشینی»

نمونه های مشارکت زنان در مدیریت محیطزیست محلی، شهری، ملی و بین المللی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته فراوان بوده و ذکر و بررسی همه آن‌ها نیازمند مطالعه و پژوهشی مستقل است. از جمله اینکه شهرهای مهم دنیا امروزه به

حضور زنان در راس مدیریت شهرداری‌ها توجه دارد. «دورا باکویانی» شهردار سابق آتن در سال ۲۰۰۵ به‌عنوان برترین شهردار جهان به دلیل مدیریت خوبش در المپیک ۲۰۰۴ آتن انتخاب شد. او بلافاصله بعد از این موفقیت به مقام وزارت امور خارجه یونان رسید.

در مدت مدیریت باکویانی در شهرداری آتن، زیرساخت‌ها تجهیز و عملکردها دچار تحول شدند؛ شهر رنگ و لعاب تازه گرفت، تمیزی و سرسبزی به شهر آورده شد، فضاهای تفریحی و پارک‌های بسیاری ساخته شد. در نتیجه دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب از مهم‌ترین رویدادها در این شهر شناخته شد. راه‌ها و فضاهای عمومی در ۴۵۰ خیابان اصلی و به مساحت ۷۵۰ هزار مترمربع نوسازی و پیاده‌راه‌ها به مساحت ۲۵۰ هزار مترمربع دوباره سنگفرش شدند و ۳۵۰ هزار از انواع گل و گیاه و ۱۱ هزار اصله درخت در پارک‌ها، میادین و مسیرهای عبور پیاده کاشته شدند. شهرداری آتن در آن دوران روی بالا بردن سطح خدمات در محلات تمرکز داشت و توسعه شبکه پارک‌ها و بازسازی مناطق و از همه مهم‌تر بهبود کیفیت زندگی از دیگر اولویت‌های شهری بود.

همچنین در برنامه‌ای دیگر شهروندان تشویق شدند روی بام خانه‌های خود گل و گیاه بکارند و یا گیاهان یا میوه‌های مخصوصی را در بالکن خانه‌هایشان پرورش دهند. در ژوئن ۲۰۰۴ نیز برنامه ۴ ماهه آزمایشی مربوط به بازیافت اجرا شد که فاز اول آن درباره بازیافت قوطی‌ها و کاغذها بود.

«هلن زیله» شهردار شهر کیپ تاون آفریقای جنوبی خبرنگاری است که با ورود به عالم سیاست شهردار یکی از شهرهای مهم این کشور آفریقای جنوبی شد. او هم اکنون مانند دکتر محمدباقر قالیباف شهردار تهران، در بین یازده شهردار برتر جهان قرار دارد. هلن از سال ۲۰۰۶ شهردار این کیپ تاون است و پیش از این در سال ۲۰۰۳ به‌عنوان برترین زن سال آفریقای جنوبی معرفی شد. کیپ تاون طبق قانون اساسی آفریقای جنوبی به‌عنوان یک کلانشهر به جهانیان معرفی می‌شود و یکی از بزرگ‌ترین اشکال حکومت‌های محلی را در این کشور دارد. این شهر ۲۱۰ عضو شورا دارد که ۲۸ عضو اجرایی آن توسط زیله به‌عنوان شهردار اجرایی شهر منصوب می‌شوند.

اما عمده‌ترین فعالیت‌های موثر هلن زیله در مسایل اجتماعی متمرکز شده است. مهاجرت در سال‌های اخیر در آفریقای جنوبی به صورت یک بحران درآمده و در این مدت بسیاری از مسوولان کشور تنها به ایراد سخنرانی درباره این بحران پرداختند؛ اما زیله به حرف زدن قناعت نکرد و وارد عمل شد. او به سرعت برای رفع این بحران اقدام به ساخت پناهگاه در شرایط اورژانسی کرد و توانست تا حدودی از پس این بحران در شهر کیپ تاون برآید. مردم این شهر او را یکی از سختکوش‌ترین افراد در کشور آفریقای جنوبی می‌دانند که تمیزی پایتخت و سر و سامان دادن به زیرساخت‌ها از جمله دیگر موارد چشمگیر در فعالیت اوست (ISOE, 2010).

نتیجه‌گیری

با توجه به بحران‌های حوزه محیط‌زیست و چالش‌های حوزه زنان، مشارکت دستگاه‌های مرتبط در این زمینه می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد، در این راستا توسعه آموزش و برقراری عدالت آموزشی در توسعه پایدار یا محوریت زنان منجر به توان افزایش زنان در استفاده از دانش زیست‌محیطی و افزایش آگاهی و دانش آنان در فضاهای شهری به واسطه شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه زیست‌محیطی باید توجه ویژه به این موضوع شود.

دستیابی به هدف‌های جنسیت و توسعه به هیچ روی کار آسانی نیست و حمایت همه افراد در سطوح مختلف دستگاه‌های دولتی و مجریان را می‌طلبد. این امر مستلزم کوششی است آگاهانه تا به مدد آن بتوان علائق و شور زنان و مردان را در جهت ترقی اجتماعی و اقتصادی به حرکت درآورد و از آن بهره‌جست. تحقق این مهم همچنین نیازمند وقوف کامل نسبت به نقش‌ها، روابط و تلاش‌های زنان و مردان در عرصه حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. علاوه بر این لازم است برای ارزشگذاری فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و غیراقتصادی، چارچوبی تدارک‌شود. از این گذشته رسیدن به هدف‌های توسعه، به اندیشه و اقدامی جدی نیاز دارد که جهتی انسانی داشته و برای حل مسائل جنسیت الهام‌بخش باشد و آینده جامعه و نیازهای مردان و زنان را در هر سنی درک کند و برای تحقق این نیازها، همه مساعی خود را به کار گیرد. افزون بر این، اقدامات دیگری باید صورت پذیرد، اولاً قبل از هر چیزی لازم است هدف‌های جنسیت و توسعه به خوبی روشن شود و در متن برنامه‌ها و دستاوردهایی که در کشور دنبال می‌شود قرار گیرد. ثانیاً چون این مفاهیم تازه‌گی داشته و با راه و رسم متعارف اندیشه توسعه سنتی سازگار نیست از این رو باید یک گروه طرفدار جنسیت در سازمان‌ها به وجود آید و برای تحقق این اهداف مجدانه تلاش کند. بدین ترتیب باید در جهت سازماندهی مناسب زنان، توانمند ساختن آن‌ها و آموزش به آن‌ها جهت مشارکت در فعالیت‌های شهری و محیط‌زیستی توجه به منافع و سهم آن‌ها در جریان توسعه و برخورداری از مواهب توسعه، برنامه‌ریزی لازم صورت پذیرد.

اگر می‌خواهیم یک مدیریت پایدار زنانه داشته باشیم باید حضور پررنگ زنان را در محلات، نواحی مختلف شهری داشته باشیم. اگر این زمینه به طور کامل فراهم شود می‌توانیم شاهد حضور مدیریت فکری زنان در بالاترین سطوح مدیریتی نیز خواهیم بود؛ که در این راستا جریان‌سازی جنسیتی برای حفاظت محیط‌زیست باید فعال تر شود تا فرصت‌های برابر برای زنان و مردان به‌عنوان شرکا و ذی‌نفعان حفاظت محیط‌زیست با توجه به جایگاه متفاوت آن‌ها در جامعه و میزان دانششان درباره محیط‌زیست ایجاد شود.

به عبارت دیگر هدف جریان‌سازی جنسیتی برای توسعه پایدار، به حداقل رساندن اثرات منفی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بر محیط‌زیست است که این امر از طریق افزایش دانش و آگاهی زنان و مردان برای ارتقای رهیافت‌های حساس جنسیت و راه‌حل‌هایی برای به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی و شتاب دادن به استفاده از فناوری‌های دوستدار محیط‌زیست و با هزینه موثر توسط زنان و مردان امکان‌پذیر خواهد بود. زنان آگاه می‌توانند در انتقال فرهنگ زیست‌محیطی کمک کنند. بدین جهت بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم در مورد فضای سبز و آشنایی با خواص گیاهان ضرورتی است که مانع بروز فاجعه نابودی شهرها بر اثر آلودگی هوا و محیط‌زیست می‌گردد. به همین منظور اهمیت دادن به نقش فضای سبز در زندگی انسانها و ایجاد علاقه بیشتر به درخت و گل و چمن در وجود هر کس امری است ضروری.

با طرح و تطبیق برنامه‌های زیست‌محیطی و تشکیل سازمانهای فعال زنان در مراکز کشور میتوان تغییر رفتاری در الگوی مصرفی خانواده‌ها ایجاد کرد؛ بنابراین آموزش زنان در زمینه حفظ محیط‌زیست، ایجاد انگیزه کافی و توانمند ساختن آنان، برای حل مسائلی است که سلامت او، خانواده و جامعه را به چالش می‌کشد. توانمندسازی زنان در جهت جلب مشارکت آن‌ها برای حل معضلات محیط‌زیست به معنی توانمند کردن جامعه می‌باشد.

منابع

۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۴) جامعه و تاریخ، قم: انتشارات صدرا، ص ۶
۲. پالمر مونت و لاری اشترن، (۱۱۳۷۱) نگرشی جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۱۰۳ و ۱۰۲.
۳. کتاب نوسازی و دگرگونی سیاسی، حسین سیف زاده و توسعه سیاسی و تحول اداری، عبدالعلی قوام.
۴. بیرو، آن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. (ب. ساروخانی، مترجم). تهران: انتشارات کیهان
۵. جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست، نقش زنان در حفاظت از محیط زیست، تهران، آذرماه ۷۳
۶. ریتزر، جورج، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه احمدرضا غروی زاده، (تهران، ماجد، ۱۳۷۳)، ص ۹۶.
۷. سازمان حفاظت محیط‌زیست. (۱۳۸۰). دومین گزارش وضعیت محیط زیست ایران، انتشارات. سازمان حفاظت محیط زیست.
۸. سیف الهی، سیف‌الله، اقتصاد سیاسی ایران، تهران، پژوهشکده جامعه‌پژوهشی و برنامه‌ریزی میزان ۱۳۷۴.
۹. اکبری نعمت‌الله، کنش و واکنش متقابل مشارکت زنان در اجتماع و توسعه فرهنگی، سمینار زن و توسعه فرهنگی، دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۴
۱۰. افضل زاده، سوسن. (۱۳۷۶). آلودگی هوا و کنترل آن. مجله برگ سبز.
۱۱. کالن، گوردن (۱۳۷۷). گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. سینا معماری، فرآیند نقش زنان در توسعه پایدار و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، پاییز ۷۸.
۱۳. سعادت، اسفندیار. (۱۳۷۸). مدیریت منابع انسانی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی در دانشگاه تهران.
۱۴. کریمی، داریوش. لیاقتی، هومان. (۱۳۷۸). آموزش محیط‌زیست و رفتار شهروندی. طرح توسعه و ترویج فرهنگ زیست‌محیطی منطقه ۹ شهرداری تهران.
۱۵. امینی، فرهاد. (۱۳۷۸). بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در دستیابی به مشارکت‌مردمی به منظور حفاظت از محیط زیست. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران.
۱۶. لقابی، حسنعلی. & محمدزاده تیتکانلو، حمیده. (۱۳۷۸). زمستان). مقدمه‌ای بر مفهوم توسعه شهری پایدار و نقش برنامه‌ریزی شهری. فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۶
۱۷. سریع القلم، محمود. (۱۳۷۸). عقلانیت ع آینده توسعه یافتگی ایران. انتشارات غزال.
۱۸. حمید طراوتی و سیدامیر دیانت، (۱۳۷۱) دستور کار ۲۱، ترجمه انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست و برنامه عمران ملل متحد (UNDP)
۱۹. معصومی اشکوری، سید حسن. (۱۳۷۹). شهر فعال و مدیریت توسعه پایدار شهری. (نسخه اول). مجموعه مقالات اولین سمینار مدیریت توسعه پایدار در مناطق شهری. تبریز: شهرداری تبریز.

۲۰. بحرینی، سید حسین. امینی، فرهاد. (۱۳۷۹). نقش سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی در دستیابی به مشارکت مردمی به منظور حفاظت از محیط زیست در ایران. محیط‌شناسی. شماره ۲۶.
۲۱. بری، جان. (۱۳۸۰). محیط‌زیست و نظریه اجتماعی. (نسخه اول). (ح. پویان ن. توکلی، مترجم). انتشارات زیبا.
۲۲. مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، نشریه آوا شماره ۱، تهران، مرکز مشارکت زنان، ۱۳۸۰.
۲۳. آنتونی، گیدنز. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی (نسخه ۷). (م. صبوری، مترجم) انتشارات مهدی.
۲۴. دیهیم، حمید و معصومه وهابی. (۱۳۸۲). دسترسی زنان به اعتبارات نظام بانکی. پژوهش زنان. دوره ۱. سال ۳. شماره ۷. ص ۸۷-۶۱.
۲۵. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۵). انسان‌شناسی شهری. انتشارات نی.
۲۶. اعتمادی فر، نرگس دبیریان، سارا. (۱۳۸۷). سازمان‌های غیردولتی و نقش آنان در آموزش زنان جهت تضمین پایداری محیط‌زیست.
۲۷. سفیری، خدیجه. (۱۳۸۷). نقش نهادهای غیر دولتی محله‌ای در تأمین امنیت اجتماعی با تکیه بر شهرشیراز، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دوم، شماره ۲.
۲۸. محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۸). زنان و محیط‌زیست. انتشارات شیرازه.
۲۹. مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران (۱۳۸۸). اطلس محلات تهران. (<http://atlas.tehran.ir>)
۳۰. دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران. (۱۳۸۹). پژوهش بررسی موانع و مشکلات فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران برای جلب مشارکت شهروندان تهرانی در امور شهری. (معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد تهران، مجری). (غ. غفاری، مسئول علمی طرح). گروه پژوهشی جامعه‌شناسی.
۳۱. مسجدمعنی، احمد. (۱۳۹۰). شورایاری‌ها، رویکردی نو به مدیریت محلی. موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
۳۲. لاهیجانیان، اکرم‌الملوک. (۱۳۹۰). آموزش محیط‌زیست. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۳۳. شادمان فر، رضا و کیل پور، مهدی. (۱۳۹۰). شورایاری، سازوکاری برای مشارکت شهروندان با مدیریت شهری. موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
34. Malhotra, Anju and Sidney Ruth Schuler and Carol Boender. 2002. "Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development". Background Paper Prepared for the World Bank Workshop on Poverty and Gender: New Perspectives, Final Version: June 28, 2002
35. Oxaal, Zoe and Sally Baden. (1997). "Gender and Empowerment: Definitions, Approach's and Implications for Policy". BRIDGE, Report No.40. Briefing Prepared for the Swedish International Development Cooperation Agency (sida)
36. Putnam, R. D. (1992). Making Democracy Work, New Jersey, Princeton University Press.
37. Institut für Sozial- ökologische Forschung (ISOE), (2010). Research on Gender, the Environment and Sustainable Development. Frankfurtam Main.
38. Communities and Local Government. (2007). The New Performance Framework for Local Authorities and Local Authority Partnerships: Single Set of National Indicators
39. Dankelman, Irene. (2010). Women: Agents of Change for Healthy Environment.

The role of education and empowerment of women in environmental protection and sustainable management of urban

Rezvan Barzegar, Asghar Shahriary, Razieh Shahriary

Abstract

Difference and diversity in cities, people are in putting together, which have different patterns of life and makes the city an attractive place, but the other side of this variety is unknown. The way humans that happens at a time and in a public place unit such as stores and restaurants have been strangers to one another conditions in this unknown are increasing. This could lead to increased human vulnerability, especially for women and all those who are physically more vulnerable they are. In terms of human development, managerial experience of this country in addition to international experience confirms that in today's world share of women in advancing social goals, clear and the calculation of the benefit of achieving better and faster to the target. Today, living in cities and in general in the modern world makes human life is mechanical. Cities as centers of concentration of activities and human lives to be able to stability set its own choice but to accept the structure and function are affected by natural systems do not. The role of the environment in urban life as an essential component and a key role in the metabolism of the body of the only cities to have that lack of them can cause serious damage to urban life. The aim of this study was to evaluate the quality and developing the role of education and empowerment of women in protecting the environment and examines how their peace of mind. In this regard, the participation of women in the preparation and implementation of urban projects, as a way to presence of more women in the urban space, is proposed. The results show that the environment in urban life urban social and ecological efficiency. The more effect on urban life, the functions of the environment, or their ecological efficiency that makes a favorable cities to live and cope with the adverse effects on the development of industry and transport and improve the quality of life of citizens.

Keywords: Education, empowerment, women, protection of the environment, sustainable urban management

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی